

**امینی، محمد‌ابراهیم،** (1328- 1365) شهید، فرمانده گردان 243 سوارزرهی لشکر 92 زرهی اهواز نیروی زمینی ارتش. اول اسفند، در تهران زاده شد. پدرش، حسین و مادرش ایران‌دخت بابا مانده‌علی نام داشتند و داری یک برادر بود (سند: 1112/م/58). چهار ساله بود که پدرش را از دست داد. در سن شش سالگی، به کودکستان رفت و بعد از آن، وارد دبستان جعفری در میدان محمدیه شد. هم‌كلاس شهید تندگویان بود. در مدرسه، قاری قرآن بود و پیش‌نماز هم‌کلاسی‌هایش می‌شد. در انجام تکالیف مدرسه و تکالیف مذهبی، بسیار کوشا بود. پس از طی دبستان، جهت ادامه تحصیل به مدرسه میرداماد و بعد از آن به مدرسه پهلوی سابق جنب بیمارستان بازرگانان رفت. دبیر ریاضی او در مدرسه مزبور، شهید رجایی بود. در دبیرستان، شاگرد اول شد و در 1348 دیپلم گرفت (عند ربهم یرزقون، 1394: 1/51- 52). سپس در آزمون ورودی دانشکده افسری (دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی) شرکت کرد و پس از قبولی در این آزمون و همچنین انجام معاینات پزشکی و آزمایش ورزش، با شماره شناسایی 48813409، در سیزده مرداد 1348 به جمع دانشجویان این دانشکده پیوست (پرونده خدمتی). دانشکده افسری در آن زمان فاقد مسجد بود. وی و تعدادی دیگر از دانشجویان که نُه نفر بودند، اعلام کردند که جهت برپایی نماز نیاز به مسجد دارند که مسئولان وقت برایشان محلی را به‌عنوانِ نمازخانه آماده کردند (عند ربهم یرزقون، 1394: 1/52). او در مدت سه سال تحصیل در دانشکدۀ افسری و طی واحدهای علمی شامل: دروس عمومی و تخصصی ریاضی، فیزیک، شیمی، مثلثات، مقاومت‌ مصالح و راه‌‌سازی، نقشه‌‌خوانی، نقشه‌برداری، روانشناسی و روانکاوی و طی اردوگاه‌های رزمی کویر، کوهستان، زمستانی، دروس هنر جنگ و آشنایی به جنگ‌های دوران گذشته و تاریخی و علل پیروزی‌ها‌ و شکست‌ها‌ را فرا گرفتند. همچنین آموزش‌های نظامی مورد نیاز رزم انفرادی، سوارکاری، شنا، زندگی در شرایط سخت، آموزش قطب‌نما و نقشه‌خوانی، جغرافیای نظامی، آموزش رانندگی با خودرو و تیراندازی با سلاح‌های تفنگ ژ3، کلت‌کالیبر 45، تیربار ام1. آ. ژ3، تیربار کالیبر 50، آر.پی. جی7، نارنجک دستی و تفنگی را آموخت. او در مهر 1351 به اخذ دانشنامه کارشناسی و درجه‌‌ ستوان‌دومی نائل آمد. سپس برای طی دوره مقدماتی رسته‌ای، به مرکز پیاده شیراز عزیمت کرد و به‌صورتِ تخصصی دروس نظامی، تاکتیک دسته در آفند و پدافند را فرا گرفت. پس از پایان دوره مقدماتی، لشکر 77 پیاده خراسان را برای ادامه‌‌ خدمت انتخاب و در مشاغلی همچون فرمانده دسته، گروهان و گردان پیاده خدمت کرد (پرونده خدمتی). در بیست‌ودوم تیر 1357، با دخترخانمی از خاندان مظاهری تهرانی ازدواج كرد که از ایشان، یك فرزند پسر به نام علی‌رضا،‌ متولد بیست‌ودوم اردیبهشت 1359 به یادگار مانده است (تصویر شناسنامه). از یکم مهر 1358، به درجه سروانی نائل آمد (پرونده خدمتی و ماده 1 دستور همگانی شماره 62 ارتش). با آغاز جنگ تحمیلی، به‌عنوان فرمانده گردان در لشکر 92 زرهی اهواز، حضوری فعال داشت. سرانجام وی در شانزدهم مهر 1359 در منطقه نورد اهواز، طی درگیری مستقیم با دشمن بعثی عراق به شهادت رسید (پرونده شهادت). پیکر سرگرد شهید محمدابراهیم امینی با شکوه فراوان در تهران تشییع و در قطعه‌ 24 بهشت‌زهرا (س) به خاک سپرده شد (گلزار شهدا). مادر شهید می‌گوید: در دوران دبیرستان در دبیرستان میرداماد، با معلمی بزرگوار چون شهید محمدعلی رجایی آشنا شد و در همان زمان، علاقه خاصی به ایشان پیدا کرده و متقابلاً شهید رجایی به او نظر خاصی داشت و او را مورد عنایت خویش قرار می‌داد. زمانی که خبر شهادت فرزندم محمد‌ابراهیم به شهید رجایی که در زمان نخست‌وزیری ایشان بود گفته شد، ایشان مشغول نوشتن حکم بسیار مهمی جهت یکی از نهادهای انقلابی بود و پس از شنیدن این خبر، یک مرتبه متأثر شده و چند لحظه مکث کرده و آیه استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون) را قرائت کرد. بالاخره اخلاق شهید رجایی در دوران دانش‌آموزی فرزندم، آن‌چنان تأثیر گذاشته بود که گویا به همدیگر وعده و نوشیدن شربت شهادت را بشارت داده بودند و الحمدلله این وعده تحقق پیدا کرد. (نوید شاهد). **مآخذ:** پایگاه اطلاع‌رسانی گلزار شهدا؛ پایگاه اطلاع‌رسانی نوید شاهد؛ پرونده خدمتی، معاونت نیروی انسانی، ستاد نیروی زمینی ارتش؛ پرونده‌ شهادت، مدیریت ایثارگران، ستاد نیروی زمینی ارتش؛ تصویر شناسنامه شهید؛ سند: 1112/م/58، مدیریت حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ستاد نیروی زمینی ارتش؛ عند ربهم یرزقون، مجموعه‌آثار 110 شهید دانش‌آموخته دانشگاه افسری امام علی (ع)، ج 1، تهران: آتشبار، 1394.